

نصرالله زاده: وضعیت رشته تاریخ ایران باستان در دانشگاه UCLE چگونه است؟

دریایی: آنها (آمریکایی‌ها) تاریخ را به گونه‌ای متفاوت با ما تقسیم می‌کنند. ما تاریخ را به قبل و بعد از اسلام تقسیم می‌نماییم. در صورتی که تاریخ دنیای باستان برای آن‌ها، تاریخ رم و یونان را شامل می‌شود و نه ایران و خاورمیانه را. لذا برای آشنایی با تاریخ ایران و خاورمیانه باید بر فرهنگ و زبان‌های خاورمیانه احاطه یافت و بعد با تاریخ این نواحی آشنا شد. قسمتی هم هست که به آن تاریخ اواخر عهد عتیق می‌گویند. یعنی هنوز جزء دوره باستان محسوب می‌شود ولی خارج از دوره یونانی و یا رم کلاسیک است. یعنی از ۱۰۰ یا ۲۰۰ تا ۷۰۰ م. در اروپا و آمریکا، رشته خاص خود را تحت عنوان «تاریخ اواخر عهد عتیق یا دوره انتقالی» یافته است. یعنی زمانی که یک سری مذاهب توحیدی چون: مسیحیت یا در آن سوی بین‌النهرین، دین مزدیسنا با یک سلسله رژیم‌ها همچون ساسانی یا رم ادغام شده و در نتیجه کاراکتر دیگری از دین پدید می‌آید.

نصرالله زاده: برای ورود به تاریخ ایران، باید با تاریخ جهان باستان آشنا بود؟

دریایی: بله با تاریخ یونان، رم و زبان‌های باستان باید آشنا بود. چرا که اگر به منابع یونانی و رومی دسترسی نداشته باشید نمی‌توان کار جدیدی کرد، هرچند سنگ نبشته‌هایی هست که به زبان فارسی باستان یا پهلوی

باشد ولی بسیاری از منابع بسیار مهم در تاریخ به زبان‌های یونانی و رمی است.

نصرالله زاده: در خود ایران نیز تاریخ صرف جواب نمی‌دهد، آنچه مطرح است، تاریخ تطبیقی است.

دریایی: طبق تقسیم‌بندی دانشگاه یوسی‌ال‌ای، تاریخ باستان، مشتمل بر سال‌های ۷۰۰ پ. م. به بعد است. من در آغاز بر این بودم، زبان‌های هندوایرانی بخوانم و توجهی به تاریخ نداشتیم. استاد من آقای هانس پیتراشمیت، که حالا بازنشسته شده، گفتند: شانس و احتمال کاریابی در چنین رشته‌ای نیست. در حالی که در رشته تاریخ باستان، تو در یک رشته اصلی تاریخ عهد عتیق تحصیل می‌کنی و سه رشته فرعی رم، خاورمیانه و زبان‌های هندوایرانی را نیز می‌آموزی.

صالحی: پس علت کناره‌گیری شما از رشته زبان هندوایرانی، بیشتر به جهت نبود ظرفیت کاری در این رشته بوده است؟

دریایی: بله، اگرچه در این رشته امتحان دادم ولی آن را به عنوان یک رشته فرعی برگزیدم. ابتدا می‌خواستم اوستا بخوانم، استادم پیشنهاد کرد: درجه اول به مدت یک سال سانسکریت بخوانم، بعد ودا، اوستا، پهلوی، پارسی، سغدی و آن گاه زبان‌های هندی.

نصرالله زاده: آیا در اروپا و آمریکا تاریخ بین‌النهرین، تقسیم‌بندی شده است؟

اشاره:

دکتر تورج دریایی، استاد دانشگاه «فولتون» آمریکا و از صاحب‌نظران و برجستگان تاریخ ایران باستان است که تاکنون، تلاش‌های فراوانی در امر پژوهش، تألیف و تدریس داشته و کتاب‌ها و مقالات ارزشمندی از وی در نشریات داخلی و خارجی انتشار یافته است. ایشان در سال ۱۳۴۶ در تهران متولد شده، دبستان و دبیرستان را در ایران، یونان و آمریکا گذرانده، به جهت تکمیل تحصیلات دانشگاهی به آمریکا رفته، در سال ۱۹۹۹ م. موفق به اخذ دکترا در رشته تاریخ دوره ساسانی (اواخر عهد عتیق) از دانشگاه UCLE (یوسی‌ال‌ای) آمریکا شده است و تابستان همان سال به تدریس در رشته تاریخ باستان در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا فولتون پرداخته است.

همچنین از آنجا که دکتر دریایی، دوره دبیرستان را در یونان گذرانده و تا حدودی مسلط به زبان یونانی است، تاریخ یونان، رم، خاورمیانه و ایران را نیز تدریس می‌نماید.

گفت‌وگویی که در پی می‌آید به زندگی و فعالیت‌های علمی و پژوهشی ایشان پرداخته که به همت «کتاب ماه تاریخ و جغرافیا» و با حضور آقایان نصرالله صالحی، سیروس نصرالله زاده و مجتبی تبریزیا، انجام شده است. حاصل و چکیده این نشست از نظر خوانندگان می‌گذرد:

گفت‌وگو با

دکتر تورج دریایی



دریایی: خیر. بین‌النهرین مبحث جدایی است و از آنجا که بیشتر زبان و مذهب است تا تاریخ، در شاخه زبان و فرهنگ خاورمیانه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

نصرالله زاده: در مورد تاریخ ایران باستان، توضیحاتی بفرمایید. چه واحدهایی گذراندید و چه طور به اواخر عهد اشکانی و دوره ساسانی علاقه‌مند شدید؟

دریایی: تاریخ ایران باستان از آنجا برایم جالب بود که اساتید دانشگاه ما، تاریخ ایران را به طرز عجیبی طبقه‌بندی می‌کردند، به گونه‌ای که دوره ساسانی با دوران اسلامی تقارن می‌یافت و دوره اشکانی و هخامنشی نیز واحدی مستقل به حساب می‌آمدند. شایان ذکر است که من نیز تحت تأثیر این تفکر قرار گرفته و آن را پذیرفتم. یعنی فکر می‌کنم تاریخ ساسانی از نظر زمانی به قرون وسطی و اوایل دوره اسلامی نزدیک‌تر است تا دوره اشکانی و هخامنشی.

صالحی: اهمیت این نکته به این خاطر است که ایران قرون نخستین اسلامی و حتی بعد بیشتر تحت تأثیر دوره ساسانی است تا تاریخ ایران پیش از ساسانی. از این جهت نیز می‌توان به قضیه نگاه کرد.

دریایی: بله. همان زمان که من پهلوی می‌خواندم (به مدت ۷-۶ سال)، تاریخ ساسانی هم توسط آقای مایکل مورونی تدریس می‌شد. ایشان عقیده داشتند: زیربنای اوایل اسلام ایران در دوره ساسانی، پی‌ریزی شده است.

صالحی: دوره اشکانی و هخامنشی بیشتر تحت سیطره باستان‌شناسی است ولیکن در مورد تاریخ دوره ساسانی، اهل تاریخ و مورخان هم می‌توانند با استفاده از منابع دوره اسلامی که عمدتاً به زبان عربی است به ابراز نظر در مورد ایران و فرهنگ ایران زمین بپردازند.

تبریزیان: کتاب‌های مرحوم محمدی ملایری با عنوان «تاریخچه و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی» در این زمینه که به بررسی جنبه‌های مختلف تأثیر فرهنگ دوره ساسانی به دوره اسلامی و تأثیر زبان عربی از فارسی پرداخته بود، به ویژه بسیار جالب توجه است.

دریایی: درخصوص منابع عربی به ویژه در رابطه با چگونگی مطالعه

دوره ساسانی در آمریکا یک جور دو دستگی پدید آمده است. گروهی بر این باورند که باید متکی به منابع عربی بود و بعضی بر این عقیده‌اند که منابع عربی به رغم حجم بسیار، منابع درجه دوم و سوم به حساب می‌آیند چرا که دو یا سه قرن، پس از فروپاشی دولت ساسانی پدیدآمده و نوشته شده‌اند و برای پی بردن به تاریخ دوره ساسانی باید به منابع دست اول (مهر، سکه و...) و منابع ارمنی، سریانی و یونانی که در آن زمان نگاشته شده، رجوع کرد. از جمله این افراد می‌توان به خانم گیزلن و آقای فیلیپ ژینیو اشاره کرد.

نصرالله زاده: چنین روشی را در شیوه‌های مطالعاتی نیز می‌توان به کار برد؟

دریایی: من تز دکتری خود را که در مورد «فروپاشی ساسانی در استان فارس» می‌باشد و تا چند ماه دیگر توسط «نشر تاریخ ایران» منتشر می‌گردد، بر این اساس نگاشته و از طبقه‌بندی آقای ژینیو بهره برده‌ام. مثلاً با تأمل در سکه‌ها می‌توان دریافت چه زمان، سکه‌ها هنوز ساسانی و چه زمان عربی اسلامی گشته‌اند.

منابع عربی چه می‌گویند؟! مثلاً در مورد تسخیر شهرهای استان فارس، داراب، اردشیر و... به منابعی چون فتوح و... می‌توان مراجعه کرد که هریک از این کتب، به ارائه تاریخ‌های مختلف می‌پردازند. البته منابع عربی را نمی‌توان نادیده گرفت چرا که بسیار مهم‌اند.

نصرالله زاده: چه مقدار زبان‌های ایران باستان خوانده‌اید؟

دریایی: یک سال سانسکریت، یک ترم ودا (هندی باستان)، ۴ یا ۵ ترم اوستا، یک ترم فارسی باستان، ۶-۵ سال پهلوی یا سغدی. آقای هانسی پیتراشمیت، استاد هندوایرانی من بودند. استادان آلمانی گمان می‌کنند که زبان‌های هندوایرانی شبیه هم است و برای شناخت این دو زبان باید گرامر این دو را دانست، چون هندی‌ها از نظر گرامر قوی‌ترند.

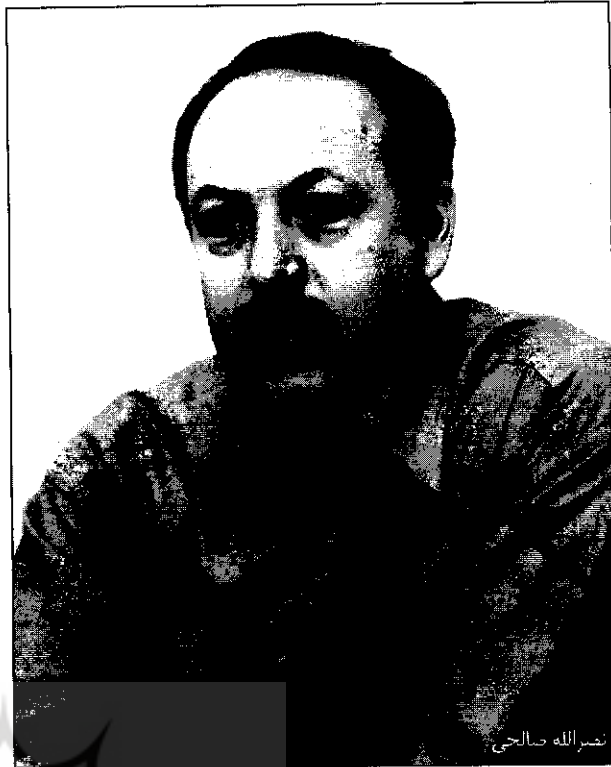
لازم به ذکر است برای انجام کار جدید در مورد اوستا باید بر زبان سانسکریت و ودایی مسلط بود. من دوترم، گاهان خواندم.

صالحی: تسلط شما بر این زبان‌ها، تا چه اندازه است. به قدری است که به تدریس این زبان‌ها بپردازید و یا در حدی که تنها بتوانید از منابعی که به این زبان‌ها نوشته شده، استفاده کنید؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



دکتر تورج دریایی



نصرالله صالحی

مفصل در سه مجلد در مورد تاریخ ساسانی نگاشته که انتشار خواهد یافت. تبریزنیا: با وجودی که اینک حوزه‌ها بسیار جزیی شده‌اند، اما کتابی که بدان اشاره کردید، بسیار کلی به دوره ساسانی می‌نگرد. مثلاً بحث در مورد سکه‌های دوره ساسانی یا شاپور و یا انوشیروان خود در حد یک کتاب است. دریایی: بسیار خوب است که محققان و مورخان، هرازگاهی به تاریخ و مسائل آن با دیدی کلی بنگرند. مثلاً صدها کتاب در مورد تاریخ یونان و رم داریم در حالی که کتابی مستقل در مورد تاریخ ایران نوشته نشده اگر بخواهیم در مورد تاریخ ساسانی بدانیم باید به تاریخ کمبریج ایران که دو جلد آن در رابطه با تاریخ اشکانی و ساسانی است و توسط دکتر احسان یارشاطر ویراستاری شده، مراجعه کرد. من نیز کتاب خود را با یک دید کلی نگاشته‌ام. استاد ایرج افشار پیشنهاد کرد: بهتر است این نوشته به فارسی ترجمه شود که انتشارات ققنوس، متن را از من گرفته و شخصی را برای ترجمه‌اش انتخاب نموده است. ضمناً شاپور شهبازی نیز مشغول تألیف کتابی در مورد تاریخ ساسانی است.

صالحی: از دید شما لوازم اصلی برای تحقیق در تاریخ ایران باستان چیست؟

دریایی: برای مطالعه در مورد تاریخ ایران باستان، هم باید بر تاریخ و هم بر زبان و زبان‌شناسی احاطه و اشراف داشت، نیز نباید نادیده گرفت که متد غربی، متد بسیار مهمی در تحقیق و بررسی است.

نصرالله زاده: از آنجا که تخصص آقای دریایی در رابطه با ایدئولوژی زردشتی است، ناچاریم به پیامبر دین زردشت برگردیم. قدیم‌ترین تاریخی که درباره ظهور زردشت ذکر شده به ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ ق. م. برمی‌گردد. خواهشمند است، مختصری در مورد زردشت و تعالیم او بیان بفرمایید.

دریایی: برخی بر این باورند که هرگز زردشتی وجود نداشته است. که البته من طرفدار این مسأله نیستم. چون به هر حال، این گونه می‌توان بسیاری افراد را زیر سؤال برد. به هر جهت من فکر می‌کنم، زردشت وجود تاریخی داشته و حدوداً ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌زیسته است. با مطالعه ودا و گاتاها می‌توان گفت: زردشت، در این دو کتاب از زبانی آرکائیک بهره برده است.

نصرالله زاده: اگر به رسالت پیامبران معتقد باشیم، این مسأله دور از ذهن است که پیامبری به زبانی سخن بگوید که مردم، بدان زبان آگاهی ندارند.

دریایی: اشتباه ما در این است که زردشت را در دوره پیامبران ابراهیمی قرار داده و او را چون موسی(ع) و عیسی(ع) می‌دانیم. در صورتی که زردشت را باید در آن مقطع زمانی و فرهنگی قرار داده و با کسانی که ودا می‌سرودند، مقایسه کرد. گرچه دید زردشت، متفاوت با دید ودایی و بسیار زیباتر از آن است.

نصرالله زاده: ما به شهادت معتقدان زردشت، او را صاحب دین می‌دانیم چرا که کار او بعد از ساسانیان نیز ادامه می‌یابد. گرچه افرادی چون کلنز، مقداری ذهنی به این مسأله می‌نگرند.

دریایی: من تابع کلنز نیستم. او شخصی لائیک است گرچه از نظر زبان‌شناسی اوستایی، فرد بی‌نظیری است. او می‌گوید: باید ببینیم زبان‌شناسی به ما چه می‌گوید، بدون اینکه به داستان‌ها و روایات در مورد زردشت بپردازیم. او به واژگان اهمیت می‌دهد.

نصرالله زاده: تفاوت فهم از گاهان، باعث تفاوت فهم از زردشت شده است. شما کدام متن را ترجیح می‌دهید؟

دریایی: من ترجمه ایسلو را چرا که وی، یک کاتولیک مذهبی است و بر ودا تسلط دارد و ترجمه او، حالتی عرفانی دارد. کار هومباخ و مقایسه متن با ودا توسط او بسیار مهم و مفید فایده است. ولیکن در ترجمه او به

دریایی: استاد من هانس پیتر اشمیت یک زبان‌شناس است و زبان‌های هندو ایرانی را به گونه‌ای به ما آموخته که در حد دانشجویان این زبان‌ها در این زمینه بدانیم و بتوانیم از متون آنها به راحتی استفاده کنیم. البته من بیشتر پهلوی خواندم، چون به فارسی نزدیک‌تر است و دانستن این زبان برای مطالعه در مورد تاریخ ساسانیان، بسیار مهم است. نصرالله زاده: دیدگاه اروپاییان و آمریکایی در مورد ایران چیست؟

دریایی: استاد تاریخ من، مورونی و استاد زبانم پیتر اشمیت بوده‌اند. تاریخ ایران، برای آقای مورونی تاریخی مجزا و تفکیک شده نیست. ایشان به اواخر عهد عتیق می‌نگرند با توجه به شرق بین النهرین. تز دکتری خودشان درباره عراق و پیروزی اعراب مسلمان بر عراق بوده که از مناطق تحت تسلط ایرانیان به حساب می‌آمده است. من به پیشنهاد ایشان و با گرفتن بورس برای موزه سکه‌شناسی به استفاده از این منابع و مطالعه در مورد اواخر دوره ساسانی پرداختم.

تبریزنیا: اشاره‌ای به عمده کارهای خود بفرمایید. دریایی: تاریخ‌نگاری ساسانی که زمان چاپ آن به اواسط ترم برمی‌گردد. در مجله‌ای انگلیسی زبان که در آمریکا به چاپ می‌رسد دو مقاله به چاپ رسانده‌ام:

۱ بررسی تمام مدخل‌هایی که در مورد دنیای ایران ساسانی در دایرة‌المعارف ایرانیکا منتشر شده است.

۲ بررسی تاریخ‌نگاری ساسانی، مقاله‌ای دیگر در رابطه با «اوضاع جغرافیایی ایرانیان» که در لهستان منتشر شد.

دوازده مقاله توسط آقای دیزجی استاد دانشگاه ارومیه به فارسی ترجمه شده و به همراه ۱۲ مقاله دیگر توسط «نشر ققنوس» منتشر خواهد شد.

«کاوِه آهنگر در متون هندوایرانی» که بیشتر اسطوره است تا تاریخ که در مجله هندوایرانی‌شناسی آلمان به چاپ رسیده است. کتابی نیز در مورد تاریخ ساسانی به رشته تحریر درآورده‌ام. شایان ذکر است که دوست و هم‌رشته من آقای رحیم شایگان، فرزند داریوش شایگان در هاروارد کتابی



قدری پرانتز و اضافه هست که خواننده را گیج می‌کند. ترجمه کلنز نیز، زبان‌شناسانه و دیرفهم است.

نصرالله زاده: البته به عقیده من، ترجمه هومباخ، خیلی بهتر است. در مورد توأمان در دین زردشت نیز، صحبت کنید. چرا که پیش از زردشت نه دو مینو معنا داشت و نه امشاسپندان.

دریایی: می‌توان از زردشت، برداشت‌های گوناگون داشت. ودا، سیستم جمع و جورتر و مرتب‌تری دارد. در گاتا، شاهد نوعی یگانگی و در قسمتی نیز گونه‌ای دوگانگی میان دومینو هستیم که بسیار متفاوت با دوره ساسانی است. البته تا زمانی که از طریق خواندن ودا با گرامر گاتاها آشنا نشویم، بسیار دشوار است به قضاوت در این زمینه بپردازیم. نیبرگ بیان می‌داشت: که بعد از ۵۰ سال خواندن ودا و اوستا، صبح به گونه‌ای و شب به گونه‌ای دیگر می‌توان به خواندن گاهان پرداخت.

نصرالله زاده: آنچه در یسنای ۳۰ در مورد زردشت آمده این است که در عالم خواب این هر دو مینو که بازوان اهورامزدا بوده و جهان را اداره می‌کنند، بر او ظاهر گشته‌اند.

دریایی: حقیقت این است که در زمان ساسانیان، هر کس می‌خواهد روایت جدیدی از دین بیاورد و این خود نوعی بدعت است. مثلاً در قرن سوم میلادی، ساسانیان، مسأله سیاسی مذهبی به نام ایران را بنیان نهاده و مذهبی به نام مزدیسنا را پدید می‌آورند و این امر را به دولت امکان میدهد و مخالفان خود را به عنوان بدعتگر، کنار بگذارد. حال آنکه خود ساسانیان نیز بدعتگرند. از طرفی در دوره ساسانی، با سیستم چند خدایی (آناهید، اورمزدو...) مواجهیم.

مذهب برای ما در دوره اشکانی، چندان مشخص نیست. اما قدرمسلم، اشکانیان برخوردار از تمدن متمساحی هستند که از جمع فرهنگ یونانی و هندی و ایرانی پدید آمده. تنها در دوره ساسانی، مذهبی انتخاب شد و به عنوان تنها راه درست به مردم معرفی گردید.

نصرالله زاده: در مورد ثنویت صحبت کنید. با توجه به اینکه عده‌ای بر این باورند که ایرانیان همواره موحد بوده‌اند.

دریایی: در دوره ساسانی با ملاحظه بندهشی و دینکرت به نوعی ثنویت می‌رسیم. چرا که آنقدر موبدان با اهریمن مسأله دارند که او را بزرگ کرده و به اهورمزدا می‌رسانند به گونه‌ای که در گاتا، مزدا هست و مینوی خوب و بد.

و اما دین، به دین عوام و دین سلطنتی تقسیم می‌شود. دین سلطنتی که برخلاف دین عوام، به دولت وابسته است و آنچه از عوام برای ما باقی مانده، سری بشقاب‌هایی است که تحت تأثیر مذهب یهودی است و یا گردن‌بندهایی که ارواح پلید را از منزل می‌رانده، یا برای دفع چشم زخم و... به کار رفته و این بسیار متفاوت با کتب پهلوی است که توسط موبدان نوشته می‌شده است.

نصرالله زاده: در زمان ساسانیان، تمام پادشاهان زروانی بودند. خود اسطوره زروان نیز، به عرفان متمایل است.

دریایی: گویند اسکندر، اوستا را برد و سوزاند، ما آن را پس آوردیم. در زمان شاپور دوم، می‌بینیم که شخصی برای قبولاندن حقایق مذهبی خود، بر خویشتن آهن گذاخته می‌ریزد. در زمان مزدک هم، چنین است و

همینطور در زمان خسرو انوشیروان و اما در دوره ساسانیان نیز، موبدان (چون پاپ‌ها در قرون وسطی) مرتباً گرد هم می‌آیند تا ببینند مذهب چیست؟ قوانین مذهبی چیست و چه کسانی مرتدند. با توجه به دینکرت ۴ که بسیار مهم است، اوستا در زمان شاپور دوم جمع می‌شود.

صالحی: آیا در ایران دوره ساسانی، تاریخ‌نگاری بوده یا خیر. بالخصوص در مقایسه با یوقان همان عصر که شاهد متون گوناگون تاریخی هستیم.

دریایی: اولاً بین ایران و روم، تفاوت‌هایی هست. سال‌ها پیش، آقای کلیمان، مقاله خوبی درباره «اشکالات تاریخ‌نگاری در ایران» نوشتند. به نظر ایشان، همواره دربار بوده که تاریخ را می‌نگاشته یا اجازه نوشتن می‌داده و ما معمولاً به تاریخی، که حالا خدای نامک و یا به هر عنوان دیگری نامیده می‌شده، مراجعه می‌کرده‌ایم. به همین جهت است که گاه ممکن است روایتی را به سه گونه بباییم:

۱ عامیانه یا مردمی، ۲ سلطنتی ۳ مذهبی. ولی به هر حال اصل داستان، یکی بوده که به یاد مانده است.

قدر مسلم اینکه، فرهنگ شفاهی در دوره ساسانی رایج بوده، ولی از لحاظ تاریخ‌نگاری، این دولت بوده که به نگاشتن تاریخ می‌پرداخته است. تا قرن ۵، کتاب نبوده و این موارد بر لوحه نوشته می‌شده. مثلاً بعضی اردشیر را از ناف دارا می‌دانند و برخی او را کفاش زاده‌ای می‌پندارند. که همه این اقوال متفاوت بعد از دوره ساسانی به عربی ترجمه و در زمان انوشیروان، خدای نامک نوشته و یا بازنویسی شد لازم به ذکر است که در آن زمان، ما یک تاریخ ملی داریم که با تاریخ حقیقی، فرسنگ‌ها فاصله دارد. در خدای نامک، هخامنشیان جایی ندارند. ما یک دارا داریم با یک دارای دیگر. چرا که این تاریخ، تاریخی مذهبی است.

صالحی: آیا همه، هخامنشیان را می‌شناختند.

دریایی: آقای شهبازی معتقدند: در اوایل دوره ساسانی، هخامنشیان

را می‌شناختند، اشکانیان نیز، بر این مسأله وقوف داشتند و خود را با آنان رابط می‌دادند. اصلاً یکی از دلایل کنار گذاشتن هخامنشیان، رابطه ایشان با اشکانیان بود... ساسانیان در مسایل مذهبی و تاریخ گذشته ایران نوآوری کرده و پایه‌گذار نوعی تاریخ‌نگاری مذهبی می‌گردند.

نصرالله زاده: با توجه به صحبت‌های شما، قرائت واحدی از دین زردشت نبوده، قباد به مزدک گرایش پیدا می‌کند، آمدن مانی، نشان دهنده این موضوع است. اختلافات در اواخر دوره ساسانی، بیشتر می‌شود. لطفاً نظر خود را در مورد علل سقوط ساسانی بفرمایید؟

دریایی: من اصلاً طرفدار زوال معنوی ساسانیان و یا فروپاشی این دولت به علت اوضاع آشفته اجتماعی نیستم. بیزانسی‌ها نیز، علی‌رغم وجود نابرابری و اوضاع نابسامان اجتماعی، هزار سال حکومت کردند. یکی از دلایل فروپاشی ساسانیان وجود مزدک بود. از قرن ششم مطرح شد که مزدک (که حالا تفسیر بخصوصی دارد و در متون پهلوی نیز آمده)، یک موبد است و بدترین زندیق هم هست که در پی تغییر و برگرداندن دین است و شاه نیز که در پی کوتاه کردن دست نجبا و موبدان است، از این مسأله استقبال کرده و انقلابی اجتماعی شکل می‌گیرد که توسط خسرو کنترل می‌گردد، اما مزدکیان بسیار کشته می‌شوند. از دیگر علل سقوط ساسانی، ارتش اعراب مسلمان است. ارتشی که علاوه بر ایران، ارتش رم را نیز شکست داده و از بین برده بود. ارتش اعراب، سواره نظام بوده و قابلیت مانور داشت، در حالی که سپاه ایران با زره و... غیرقابل مانور بود. حال بگذریم از اینکه سوار شدن بر شتر بسیار بهتر از اسب است. در آمریکا چندین و چند کتاب در مورد ارتش اعراب مسلمان نوشته شده است. اینان دلیل شکست ایرانیان را چنین بیان می‌دارند که در زمان انوشیروان، ایران اسپهبد به چهار قسمت شمال غرب، جنوب غرب، شمال شرق و جنوب شرق تقسیم می‌شد. سپس یادآور می‌شوند زمانی که تمام ارتش ایران در لب مرزها مستقر بود، اعراب مسلمان با شکست سپاهیان ایرانی، فلات ایران را باز دیده و حکومت ساسانی را برمی‌اندازند.

نصرالله زاده: البته بخشی از این شکست به نیروی نظامی و برخی به مردم برمی‌گردد که اسلام را پذیرفتند.

دریایی: ما همیشه می‌پنداریم تاریخ ایران، تاریخی نزولی است. به طوری که هخامنشیان در اوج‌اند و بعد از آن رو به حضيض. در صورتی که به نظر من، تاریخ دوره‌ای بوده و نزولش هم، عللی دارد مثل حمله مغول و یا مسایل دیگر، که باعث تغییر دولت و سیاست می‌گردد. برای نمونه با روی کار آمدن ساسانیان دولت تغییر یافت ولی تا دگرگونی دین، مذهب و فرهنگ زمان بسیار در پیش بود.

تبریزیان: در رابطه با شرق‌شناسی در آمریکا، وضعیت ایران‌شناسی و حوزه‌های مختلف آن، مهم‌ترین مراکز و جدیدترین آثار ایران‌شناسی توضیحات مختصری بفرمایید، همچنین در مورد مجله‌نامه ایران باستان، که به همت جنابعالی تاکنون دو شماره آن چاپ شده است.

دریایی: رشته‌ای که در آمریکا رونق دارد، اسلام‌شناسی، تاریخ اسلام و فرهنگ اسلامی از قرن سوم به این سو است.

تبریزیان: چه مقدار از این اسلام‌شناسی با عرب‌شناسی عجین گشته است، به نظر می‌رسد ایران، جایی در اسلام‌شناسی ندارد.

دریایی: گفته شما تا حدی درست است. برای آنان ایران و وضعیت آن از سال ۵۷ به این طرف مطرح می‌شود. انقلاب، واقعه‌ای مهم و درخور تأمل است و اما وضعیت ایران‌شناسی، بسیار وخیم است. قبل از سال ۵۷ دولت ایران، توجه خاصی به مراکز ایران‌شناسی در دنیا داشت. سفارت ایران هر سال نوروز، کارت تبریک می‌فرستاد، به دانشجویان بورس تحصیلی اعطا می‌شد و مراکز ایران‌شناسی در حال توسعه بود. در حالی که بعد از انقلاب به علت جنگ، مشکلات داخلی و... هیچ‌گونه کمکی به ایران‌شناسی نشد.

در عوض کشورهای عربی و ترکیه حضور چشمگیر داشته، تا جایی که ترکیه سال پیش، مبلغ ۷۰۰۰/۰۰۰ دلار به تأسیس کرسی فرهنگ و زبان‌های ترکی اختصاص داد.

اعراب نیز پول فراوانی را به این کار اختصاص داده‌اند تا جایی که در مورد «خلیج فارس» اقدام به تغییر به نامی مجهول کرده‌اند چرا که اعراب به ایتالیایی‌ها که نقشه‌کشی بزرگی دارند، چنین دستور داده‌اند. اما متأسفانه دولت ایران خیر. در عوض، ما ایرانیان اگر چه پول نداریم ولی تعدادمان زیاد است. به هر حال می‌جنگیم.

و اما در مورد مجله‌نامه ایران باستان. من در سال ۱۹۹۹، پس از ۱۵ سال به ایران آمدم و برایم بسیار تعجب‌آور بود که جز تاریخ و باستان‌شناسی، هیچ مجله تخصصی در مورد ایران باستان در این مرز و بوم به چاپ نمی‌رسید. در صورتی که در اروپا چنین نیست. آقای پورجوادی پذیرفت که نشر دانشگاهی، چاپ مجله را بر عهده گیرد، من نیز کارها را در آمریکا انجام داده و ۴ نفر از اروپا، ۴ نفر از آمریکا و ۴ یا ۵ نفر نیز از ایران به صورت اعضای هیأت تحریریه به نگارش مقالات به زبان‌های فارسی، انگلیسی، آلمانی و... بپردازند. امیدوارم که بیابد و دوام آورد.

نصرالله زاده: البته در این چند سال، مجلات به سمت تخصصی شدن رفته‌اند. مجلاتی چون آئینه میراث، نامه بهارستان که صرفاً در مورد متون کار می‌کنند.

دریایی: ما از لحاظ مطالعات تاریخی بسیار ضعیفیم. من اساتید بین‌المللی تاریخ ایران باستان در ایران را نمی‌شناسم و در مجلات بین‌المللی نیز کمتر می‌بینم که کسی به عنوان استاد تاریخ ایران باستان در ایران به نگارش مقاله بپردازد.

صالحی: بد نیست در پایان گفت‌وگو به این نکته نیز اشاره کنید که در هفته چند ساعت تدریس می‌کنید و چند ساعت به پژوهش و مطالعه می‌پردازید؟

دریایی: من، هفته‌ای ۹ ساعت (سه کلاس در هر ترم) تدریس می‌کنم، ۳ ساعت در هفته به انجام امور اداری و پاسخگویی به دانشجویان می‌پردازم، مابقی صرف امور پژوهشی می‌گردد از سال ۱۹۹۷ م. به تدریس تاریخ رم، یونان، خاورمیانه (دوره باستان) و تاریخ‌نگاری پرداخته‌ام. در آنجا، دانشجویان تاریخ بعد از گذراندن یک سال دوره تاریخ عمومی، با تاریخ‌نگاران مهم آشنا می‌شوند و باید بدانند تاریخ چیست؟ از کجا شروع می‌شود، طرفداران تاریخ آنان چه کسانی هستند؟ و... خود من، شفته تاریخ آنان هستم که در دهه ۷۰-۶۰ بسیار مهم بود. کسانی هم، تابع تاریخ پست مدرن هستند که دشمنان و طرفداران خاص خود را دارد.

تبریزیان: از این که در این گفت‌وگو شرکت کردید تشکر می‌کنیم.